

[تمسک به خطاب مختص در صورت تخصیص خطاب مشترک 1](#_Toc95062108)

[عرفی بودن تمسک به خطاب مختص 1](#_Toc95062109)

[تعریف شبهه مفهومیه و مصداقیه 2](#_Toc95062110)

[عدم جواز تمسک به در شبهه مصداقیه خود عام 2](#_Toc95062111)

[اقوال علما در مورد تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص منفصل 2](#_Toc95062112)

[عدم صحت استناد جواز تمسک به عام به سید یزدی 3](#_Toc95062113)

[عدم جواز تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص متصل 4](#_Toc95062114)

[جواز تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص منفصل 4](#_Toc95062115)

[تنظیر کلام به شبهه مفهومیه مردد بین اقل و اکثر 4](#_Toc95062116)

[جواب مرحوم آخوند 5](#_Toc95062117)

[جواب از تنظیر 5](#_Toc95062118)

[اعطاء عنوان به عام توسط خاص 6](#_Toc95062119)

**موضوع**: بررسی کلمات /سرایت اجمال /عام و خاص

# تمسک به خطاب مختص در صورت تخصیص خطاب مشترک

بحث در این بود: بین مخصص متصل و منفصل در جایی که خطاب مختص داشته باشیم فرق است یا نه؟ مرحوم صدر فرمود: فرق وجود دارد. تفصیل این مساله در باب اشتغال خواهد آمد. اجمال آن این است: فرقی نیست. اگر یک خطاب مشترکی داشته باشیم و نتوانست اطراف علم اجمالی ما را شامل بشود مثل کل شیئ نظیف، در اطراف علم اجمالی تعارض می­کند و ساقط می­شود نوبت به خطاب مختص می­رسد یعنی خطابی که در بعضی از اطراف جاری است. مثل کل شیئ لک حلال.

در جایی که اجمالا می­دانیم یا اب و یا ثوب نجس است. در آب خطاب مختص وجود دارد. در این جا خطاب مشترک ساقط می­شود اما نسبت به خطاب مختص شک در تخصیص داریم تمسک به اطلاق و عموم می­کنیم و می­گوییم کل شیئ لک حلال شامل این جا می­شود.

## عرفی بودن تمسک به خطاب مختص

مرجعیت خطاب مختص در جایی که خطاب مشترک ساقط است یک امر عرفی است. اگر فرمود: اکرم العلما و بعد گفت: لا تکرم زیدا و زید مردد بین زید سیاه چهره و زید سفید چهره است و مجمل شد. اکرم العلما الا زید، شامل هیچ کدام نمی­شود چرا که اگر هر دو را شامل بشود که خلاف تخصیص است و یکی هم ترجیح بلا مرجح است. این خطاب مشترک است. یک خطاب مختصی داریم که مثلا گفته است سیاه چهره ها را اکرام کن. این خطاب شمول دارد و شامل زید سیاه چهره می­شود. عرف خطابی که مجمل است کنار می­گذارد و مبین را عمل می­کند. ما در این جا شک داریم. اگر زید سیاه چهره از اکرم العلما خارج شده باشد، خطاب مختص هم تخصیص زده شده است. اگر زید سفید چهره باشد تخصیص زده نشده است. شک در تخصیص عام داریم. همیشه خطاب مختص مشکوک التخصیص است و هر کجا شک در تخصیص داشتیم مرجع عموم عام است.

## تعریف شبهه مفهومیه و مصداقیه

این مطالب در مورد مخصص منفصل مجمل از جهت مفهوم بود. شبهه مفهومیه معنایش این است: نمی­دانیم لفظ را مرآت برای چه چیزی قرار داده است. خیلی افراد اشتباه می­کنند و فکر می­کنند اکرم العلما و لا تکرم زیدا. زید مردد بین دو نفر است، این خطاب شبهه مصداقیه است. در حالی که شبهه مفهومیه است. شبهه در ناحیه اراده متکلم است و مراد متکلم روشن نیست.

در شبهه مصداقیه مراد متکلم روشن است مثلا در لا تکرم زیدا، زید معلوم است که چه کسی است. انما الکلام در خارج است. مشکل در خارج و منشا شک در خارج است. شخصی پیدا کردیم که نمی­دانیم زید بن بکر است یا اصلا عمر است. مفهوم روشن است ولی مصداق را شک داریم.

## عدم جواز تمسک به در شبهه مصداقیه خود عام

در شبهه مصداقیه عام محل کلام نیست. احدی نمی­گویند تمسک به عام در شبهه مصداقیه عام جایز است. بیانی که خواهد آمد برای تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص در شبهه مصداقیه عام جاری نیست.

بحث در مورد شبهه مصداقیه مخصص است. نکته این است: اگر متصل باشد مثل عام است. اکرم العلما الا الفساق. نمی­دانم فلان عالم مرتکب کبیره است یا نه، در اینجا تمسک به عام نمی­شود. اما اگر منفصل باشد جای گفتن دارد چرا که اولا ظهور منعقد شده است و بعد من شک دارم. عام که او را شامل شد و شک دارم، مرجع عموم عام است.

### اقوال علما در مورد تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص منفصل

از نظر اقوالی به مشهور نسبت داده اند که تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص منفصل جایز می­دانند. از جمله آنها صاحب عروه است. به ایشان نسبت داده اند که این تمسک جایز است. حالا اصل نسبت درست است یا نه، خیلی روشن نیست. نسبت به سید یزدی منشا نسبت این است که ایشان یک فروعی دارد و فتوا داده است و تنها مستند آن تمسک به عام باید باشد.

مثلا لباس مصلی باید پاک باشد و خون در ان نباشد مگر این که اقل از درهم باشد. این اقل از درهم باشد باز هم یک مخصصی دارد و ان این است که دم حیض نباشد. حالا یک خونی وجود دارد که اقل است و شک داریم که حیض است یا نه. سید فتوا به معفو عنه بودن داده است. این فتوا در صورت تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص صحیح است.

#### عدم صحت استناد جواز تمسک به عام به سید یزدی

به نظر ما جایی مرحوم سید تصریح نکرده است که از باب تمسک به عام در شبهه مصداقیه است. مرحوم سید مقداری از عروه را استدلالی بحث کرده است. بلکه در کتاب الوصیه گفته است: تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص اشکال دارد.

ما می­گوییم: این تصریح کاشف از این است که در فروع به عام تمسک نکرده است. مرحوم خویی نیز همین مطلب را دارد. یعنی معلوم نیست که سید یزدی تمسک به عام کرده باشد. مثلا اگر کسی شک دار نظر به یک مراه حرام است یا حلال، مرحوم سید یزدی فرموده است نظر جایز نیست و از باب تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص نیست. یک عامی داریم که گفته است نظر به هر امراه جایز نیست مگر این که ازواج...... باشد. ما شک داریم جزء مخصص است یا نه. ایشان از باب قاعده مقتضی و مانع این فتوا را داده است. یعنی مقتضی برای حرمت نظر هست و آن مراه بودن است. مانع زوج و.... است. در مانع شک داریم که جزء افراد مخصص هست یا نه. مرحوم خویی گفته است: پس مرحوم سید یزدی تمسک به عام را جایز نمی­داند.

ما می­گوییم: ممکن است سید یزدی تمسک به عام را قبول داشته باشد ولی در این جا ممکن است به خاطر مناقشه ای که هست فرموده است که مستند ما قاعده مقتضی و مانع است.

حالا مهم نیست. مهم این است که محرز نیست که ایشان تمسک به عام را جایز دانسته است بلکه عکس است. سوالی که وجود دارد این است: ایشان فروعات را از چه بابی فتوا داده است؟ جواب این است: ما نمی­دانیم شاید بعضی از آنها به خاطر همین قاعده مقتضی و مانع بوده است. بعضی هم به خاطر روایت ضعیفه ای بوده است بعضی مجرای قاعده احتیاط و برائت بوده و بعضی اصل موضوعی بوده است. استصحاب عدم ازلی هم نبوده است که مرحوم خویی این را مطرح کرده است. استصحاب عدم ازلی یک چیز جدیدی است.

کما این که در مشهور هم همین گونه است. روشن نیست که مشهور چنین نظری داشته باشند. هر چند که فتواهایی دارند ولی معلوم نیست که مستند آنها تمسک به عام بوده است. مرحوم نائینی فرموده است وجه آن قاعده میرزائیه بوده است در حالی که این هم بعید است. به ذهن آنها قاعده میرزائیه نرسیده است. مثلا در دماء و فروج احتیاط کرده­اند. مستند آن تمسک به عام نیست، شاید از مذاق شریعت اهتمام ایشان را کشف کردند.

هر چند که بعضی از فتاوی مشهور با تمسک به عام هماهنگ است ولی ما که نمی­دانیم شاید وجه دیگری در ذهنشان بوده است. ما یک فتوای صریح پیدا نکردیم که وجه آن تمسک به عام باشد. ممکن است احیانا یک مورد یا دو مورد از یکی دو نفر بیاورید. بحث ما مشهور و عمده علما است. این مطلب را شما تتبع کنید.

علی ای حال، ما باید به سراغ ادله برویم. حالا ممکن است شهرت هم همین باشد ولی این شهرت فایده ندارد. در فقه هم شهرت دارای اشکال است چه برسد به بحث اصول.

### عدم جواز تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص متصل

مرحوم آخوند فرموده است: در متصل که از اول ظهور در خاص منعقد شده است وجهی ندارد که تمسک به عام جایز باشد. اصلا ظهور ندارد. اساسا شک در موضوع حکم داریم و جای اصل لفظی نیست. گفته است عالم غیر فاسق را اکرام کن. الان شک دارم این فرد عالم غیر فاسق هست یا نه. بعد از این که از اول ظهور ضیق شده است، وجهی برای توهم تمسک به عام نیست. این قسم مثل تمسک به عام در شبهه مصداقیه خود عام است.

### جواز تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص منفصل

مرحوم آخوند فرموده است: اگر مخصص منفصل باشد جای توهم دارد. نهایت چیزی که می­توان گفت این است: ظهور در عموم منعقد شده است و وجوب اکرام علما شامل این شخص شده است و مقتضی برای شمول حکم موجود است که عموم خطاب است. مانع از این شمول مخصص منفصل است. لا تکرم فساق العلما معلوم نیست که این فرد را شامل بشود در نتیجه قطعا نسبت به این فرد حجیت ندارد. حجیت خاص نسبت به این فرد مشکوک مثل شبهه مصداقیه خود عام است. بنا بر این، مزاحم ظهور عموم اکرم العلما که شامل این شخص شده است نمی­تواند باشد.

#### تنظیر کلام به شبهه مفهومیه مردد بین اقل و اکثر

نظیر مطلبی که شبهه مفهومیه مردد بین اقل و اکثر است. در آنجا می­گفتیم مخصص منفصل در اکثر لا حجت است و لا حجت با حجت مزاحمت ندارد در این جا هم نسبت به این مصداق خاص لا حجت است ولی ظهور عام شاملش شده است پس به عام تمسک می­کنیم.

#### جواب مرحوم آخوند

مرحوم آخوند جواب داده است: این مطلب در نهایت ضعف است. هر چند که وجوب اکرام علما نسبت به این فرد ظهور دارد ولی مجرد ظهور که قابل احتجاج نیست. ظهوری قابل احتجاج است که حجیت داشته باشد در حالی که مخصص منفصل ظهور عام را در عموم از حجیت ساقط کرده است. الان چیزی که حجیت دارد وجوب اکرام عالم غیر فاسق است در حالی که شک داریم بر این فرد منطبق است یا نه. شک در انطباق موضوع ما هو الحجه داریم.

در حقیقت خلطی واقع شده است. از طرفی یقین داریم که عموم وجوب اکرام علما شامل این فرد شده است ولی این که قابل احتجاج نیست. چیزی قابل احتجاج است که از جمع بین دو خطاب به دست آمده و آن وجوب اکرام عالم غیر فاسق است و ما شک داریم که این فرد عالم غیر فاسق است یا نه.

##### جواب از تنظیر

فرق است بین این بحث و باب اقل و اکثر. در باب اقل و اکثر از اول چیزی که ضیق می­شد، کم ضیق می­شد مثلا وجوب اکرام عالمی است که مرتکب کبیره و مصرّ بر صغیره نباشد. از اول تضییقی که خاص آورده است ضیق بود و مضیَّق بر این شخص قطعا منطبق می­شد.

این مطلب را دقت کنید. در باب اقل و اکثر ما فردی که شک داشتیم قطعا مرتکب کبیره نشده بود و تنها مرتکب صغیره بود. نسبت به مرتکب صغیره موضوع حجت ضیق نشده است تا شک در انطباق داشته باشیم. در حقیقت موضوع حجیت در محل کلام ضیق است و در انطباق موضوعی که مراد جدی است شک داریم در نتیجه تمسک جایز نیست بر خلاف اقل و اکثر که در انطباق موضوعی که حجت است شک نداریم و فقط شک در مخصص منفصل بود که مرتفع میشد چرا که اکثر حجیت ندارد و اقل حجیت دارد و عام را ضیق کرده است. وجوب اکرام عالمی که مرتکب کبیره نشده شامل این فرد می­شد و مصداق موضوع حجت واقع می­شد ولی در محل بحث شک داریم که مرتکب کبیره است یا نه.

خلاصه: در شبهه مصداقیه مخصص منفصل تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص جایز نیست. گر چه ظهور به حال خودش باقی است ولی حجیت باقی نیست و انطباق ما هو موضوع الحجه مشکوک است. ما برای احتجاج یک صغری و یک کبری (وجوب اکرام عالم غیر فاسق که روشن است) نیاز داریم. چون صغری را احراز نکردیم تمسک به عام مجالی ندارد.

# اعطاء عنوان به عام توسط خاص

در ادامه ما یک بحث جنبی را مطرح کردیم که در کلمات مرحوم آخوند هم هست. آیا خاص به عام عنوان می­دهد یا نه؟ ادامه بحث در جلسه آینده